

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و برزنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

دگرمن احمد کندهاری .

۲۶ اگست ۲۰۱۸

دو ارتش رقیب و متقابل (افغانستان و پاکستان)

۱

در ارتباط به ارتش افغانستان و پاکستان اگر به اختصار یک نظر اجمالی بیندازیم مشاهده خواهیم نمود که سیرانکشاف جایگاه قدرت نظامی این دو ارتش در طول مدت زمان تاریخ معاصر بعد از جنگ جهانی دوم (۱۹۴۷) تفاوت های فاحشی دارند . پاکستان از بدنه کشور پهناور هندوستان تجزیه گردید، هندوستان که در یک فاصله زمان نچندان دور حین زمداری سدوزائی ها شامل قلمرو و یا هم تحت سلطه حکومت مرکزی «خراسان» زمین یا «افغانستان» بزرگ قرار داشت .

طبق مواد قرارداد انگلیس (امپراتوری حکومت برطانیای کبیر) تجزیه قاره هند بریتانوی (هندوستان) به مناطق مسلمان نشین و غیر مسلمان نشین تحت نام هندوستان و پاکستان (غربی و شرقی) تجزیه گردید؛ که در مراحل بعدی آن جنگ داخلی مرگبار تحت دسیسه های جاسوسان انگلیس بین فرقه های مذهبی هندو و مسلمان بر مردمان بومی آن کشور کثیرالملیت تحمیل شد .

به رهبری و اراده استعمار انگلیس در سال (۱۹۴۷) کشور پاکستان در نقشه آسیا در تبتانی با جاسوسان و مزدوران انگلیسی آن پدید آمد . آنزمان در پاکستان تشکیلات و ساختاری از یک ارتش منظم مشاهده نمی شد به جز ملیشه های قومی مناطق پشتون نشین که به نام فرانت لاین (front line) یاد شده به اضافه دستجات ملیشائی مذهبی- قومی مناطق سند و پنجاب. ولی ملیشای مسلح پشتون تا آنزمان خود را مربوط به حکومت مرکزی افغانستان می شمردند و چشم به راه آزادی بودند که هرگز تحقق نیافت.

طبق مواد قرارداد تجزیه هندوستان ، ارتش هند بریتانوی (هندوستان) هم تجزیه گردید .
۱۵ اگست ۱۹۴۷:

ارتش نو تأسیس پاکستان تحت اداره سرقومندانی اعلی جنرال فرانک میسروی «General Sir Frank Messervy» اولین تشکل نظامی تحت نام ارتش پاکستان عرض اندام نمود که از همان آوان نوزادی و آغاز پیداش وابستگی استعماری را با خود حمل می نماید .

به «تاریخ ۳۰ جون ۱۹۴۷» تقسیمات ارتش هند بریتانوی به مرحله اجراء درآمد :

ارتش هند بریتانوی شامل ۱۱۸۰۰ افسر و ۵۰۰ هزار سرباز مسلح بود و طبق قرار داد معینه و تحت اداره جنرالان انگلیس ۶۴٪ متعلق به هند و ۳۶٪ مربوط به پاکستان گردید. برای ارتش پاکستان از نقطه نظر تأمینات محاربوی، اندازه مصارف مهمات و ادوات محاربوی برای یک هفته تخمین زده می شد.

تقسیمات تجزیه اردوی هند بریتانیوی در قسمت متعلقه پاکستان چندان دقیق نبود.



طوری که (۴۰۰۰) افسر برای پاکستان مشخص شده بود ولی تنها (۲۳۰۰) افسر عملاً شامل وظیفه موجودیت داشت در اکتوبر ۱۹۴۷ پاکستان غربی دارای چهار فرقه و پاکستان شرقی تنها دارای یک فرقه گردید. اکثریت این قطعات نظر به ارقام ذکر شده کمتر از نصف اکمالات داشت.

پاکستان با تشکیل ده لوای پیاده و یک لوی زرهی دارای ۱۳ زنجیر تانک زرهی مشخص شده بود.

در مجموع از نتیجه تقسیمات تعیین شده فوق قطعات و

وسایط محاربوی ذیل برای کشور های مربوطه تعیین و اعزام گردیدند که در مقایسه به هندوستان سهمیه پاکستان ناقص بود.

(۳۰ جون ۱۹۴۷)

پاکستان!

- ۶ لوی تانک زرهی.

- ۸ لوی توپچی.

- ۸ لوی پیاده نظام.

خلای اکمالاتی ارتش ۱۵۰ هزار نفری پاکستان توسط ۵۰۰ افسر رضاکار انگلیس شامل افسران پولندی و داکتران رضاکار به صورت نسبی معاونت می شد.

هندوستان!

- ۴۰ لوی زرهی.

- ۴۰ لوی توپچی.

- ۲۱ لوی پیاده.

ارتش پاکستان بر بنیاد تشکیلات نظامی فوق زائیده شد و آغاز به رشد و تکامل نمود؛ چون پاکستان نظر به داشتن وضع سوق الجیشی در بحر هند و خواست منافع استعمار، حکومت های استعماری انگلیس - امریکا در تقویت، تجهیز و تسلیح ارتش پاکستان عملاً دست به کار شدند؛ که تا اکنون در تداوم می باشد.

پاکستان جدیدالتاسیس با در نظر داشت منافع ممالک امپریالیستی در تباری به تقویت پیمان ناتو و به سلطه در آوردن مواضع سوق الجیشی شرق میانه و جنوب شرق آسیا « شرق دور» در مبارزه با کمونیسم و مقابله با قوای نظامی

شوروی وقت ، حتی شامل پیمان سینتو و سینتوگرديد و در تقابل رقابتي با کشورهای هند و افغانستان دکترین تعرضی و دفاعی نظامی را اتخاذ نمود .

(ارقام فوق ترجمه و اخذ شده از منابع معلوماتی خارجی)

مراحل کنونی ساختاری ارتش پاکستان را در صفحات بعدی این پاراگراف به اجمالاً نظر اندازی خواهد شد .

اما اردو یا ارتش افغانستان :

از بررسی های تاریخی دیده می شود که اردوهای افغانستان در ادوار تاریخ بر مبنای روحیه آزادیخواهی و رضاکارانه بر بنیاد داشته های منابع مالی ملی مستقلانه بنا یافته است .

اگر روند شکل گیری ارتش افغانستان را از آغاز زمامداری زعیم ملی «میرویس نیکه» مختصراً به بررسی بگیریم ؛ افغانستان «خراسان» آنزمان دارای یک تشکل نظامی ملی که از اقوام مختلف این سرزمین تحت شعار دفاع از آزادی و استقلال مهین شکل گرفته، که اکثراً خدمت نظام در آنزمان رضاکارانه بود . این ارتش ملی فیودالیتیه در کوتاه مدت به یک ارتش نیرومند ملی منسجم ارتقاء نمود که دکترین تعرضی نظامی را سرلوحه مرامی قرار داد ، که با یک قوت ۳۰ هزارنفری و چند ضرب توپ به فتح اصفهان که مرکز قدرت صفوی ها بود موفقانه پیشروی نمود. بناءً قدرت نظامی و شکل گیری ارتش منظم بر بنیاد قومی بنا گردیده که مشخصه دوران فیودالیزم می باشد ؛ این ارتش از قشر سرداران فیودال و دهقانان در سنوات (۱۷۱۶ - ۱۷۲۵م) آغاز یافته که در مقایسه به ارتش پاکستان سبقت سلحشوری نظامی اردوی افغانستان در صفحات تاریخ برانزنگی دارد و می توان قدرت سلحشوری نظامی ارتش افغان را تحت اداره و سلطه هوتکی ها از مقاومت شش ماهه آن در مقابل سپاه بزرگ نادر افشار که انتقام جویانه از غرب بر شهر کهن و باستانی قندهار تعرض و هجوم نمودند، محک زد .

بعداً تخریب شهر کندهار واقع در شرق کوه قیتول ، متصل به مناطق سبز و حاصل خیز محله جات و ارغنداب و به قدرت رسیدن احمد شاه ابدالی ارتش افغانستان قدرتمند تر گردید و سیر انکشافی صعودی داشت .

احمد شاه ابدالی موفق به سازماندهی یک ارتش بزرگ ملی گردید که فتوحاتش از استقامت های شمال و جنوب و غرب، سرزمین کوچک «خراسان» وقت را به یک افغانستان وسیع و بزرگ وسعت بخشید .

دکترین نظامی احمد شاه بابا تعرضی بود تا دفاعی ؛ این ارتش عبارت بود از ۱۶ هزار عسکر منظم ، سواره و پیاده با داشتن توپخانه ثقیل و خفیف دارای نقلیات اسب ، اشتر و فیل .

پهلوی ارتش منظم که تنخواه خور حکومت بودند، ۳۰ هزار عسکر غیرمنظم در پایتخت (کندهار) یا «اشرف البلاد» و سرحدات کشور هم شامل وظیفه بودند در ایام جنگ قطعات جلیبی از مناطق و طوایف متعدد قومی بر قدرت و تعداد ارتش منظم افزوده می شد .

رتبه های نظامی تعیین گردید و معاش ماهوار برای افراد سواره نظام ۱۲ روپیه و از پیاده نظام شش روپیه نقدی و جنسی پرداخته می شد .

افسران اردو عبارت بودند از : ده باشی ، صد باشی ، مینگباشی ، قللرآقاسی ، کشیک چی باشی ، جزایر چی باشی ، توپچی باشی ، امیرلشکر و سپهسالار .

(افغانستان در مسیر تاریخ صفحه ۳۵۸)

اگر از دوران پر آشوب و جنگ های داخلی بین شاهان و شهزادگان سدوزائی و محمدزائی و مداخلات انگلیس ها بگذریم ، نقطه عطف دومی سرآغاز سیر انکشاف مجدد اردوی افغانستان را می توان در دوران سلطنت امیرشیرعلی خان جست و جو نمود .

اردو های ملی و قومی افغانستان دو جنگ ملی را با یک قدرت نا برابر (انگلیس) پیروزمندانه از زمان حکومت دست نشانده شاه شجاع الی سلطنت امیر شیرعلی خان ثبت تاریخ نموده اند .
در این دوره امیردوست محمد خان در انکشاف و انسجام اردوی ملی افغانستان مساعی به خرج داده و کار نامه های آن به ارتش ملی امیرشیرعلی خان انتقال یافت .



یادنامه ای از عساکر اردوی قومی افغان در جنگ دوم افغان و انگلیس (۱۸۷۸ م) سرشار از روحیه عالی - وطنپرستی و آزادیخواهی

بعد از این پیروزی های شجاعانه قوای افغان در راندن و شکستادن قوای انگلیس، با نظر داشت جنگ های داخلی شاهزادگان و تسلیمی شاهان جاه طلب و خود خواه به خواست های ستراتیژیک دشمن «انگلیس» باز هم اردو در زمان امیرشیرعلی خان قدرتمند تر گردید . امیرشیرعلی خان در کنار دیگر انکشافات

عمرانی شهری کابل، تخنیک و کلتوری در عرصه کتاب و اخبار جهت تنویر مردم، به مدرن نمودن اردو «ارتش» توجه خاصی مبذول داشت.

(۱۸۶۳ - ۱۸۷۸ م)



«امیرشیرعلی خان» نسبت مداخلات روسها بر سرحدات افغانستان از انگلیس ها استمداد کمک نمود.

ویسرای هند بریتانوی نظر به تقضای امیر نقداً شش لک روپیه هندی، ۶۵۰۰ میل تفنگ، چهار ضرب توپ ۱۸ پوند «پند» قلعه کوب، دو ضرب هاویتزر «هاوان» هشت انچه و شش ضرب توپ کوهی ۳ پوند طور هدیه به حکومت شیرعلی خان داده شد.

تاریخ «افغانستان در پنج قرن اخیر» روانشاد میرمحمد صریق فرهنگ به ادامه می نویسد:

برای اصلاحات سیستم اداری اردو، امیر تبدیل نیروی نظامی قومی و غیر

منظم را به یک تشکل نیروی منظم که این پروسه از زمان «امیردوست محمد خان» تدارک دیده شده بود اقدام نمود، امیرشیرعلی خان این برنامه را در مرحله اجراء قرار داد؛ که در یک بخش از این برنامه نظامی کامیاب گردید و قسمت بزرگ اردو غیرمنظم باقی ماند، اردوی مرکب از ۶۰ هزار نفر با پرداخت معاش نقدی از بودیجه دولت، یونیفورم و تعلیم نامه های نظامی به زبان پشتو ترتیب و به داخل کشور طبع و چاپ گردید. افغانستان در مسیرتاریخ صفحه (۵۹۵).

در زمان «امیرشیرعلی خان» وزیر حربیه «حسینعلی خان» سپهسالار تعیین شده بود.

رساله های عسکری در مطبوعه آنزمان در داخل افغانستان به چاپ می رسید و اردوی افغانستان را تحت نظم و دسپلین نظامی قرار می داد این یک مرحله ابتدائی بود و تشکیلات بالاتر ازغند نداشت. صنوف ثلاثه اردو (پیاده نظام، توپچی، سواری) در مناطق عمده نظامی موقع گرفته بودند. تعلیم نامه ها و تعلیم گاه ها و مکتب حربی تأسیس گردید، معلمین انگلیس و هندی استخدام شد.

در قدمه عقبی و تأمیناتی اردو کارخانه های توپ سازی و باروت سازی به کار انداخته شده بود، توپ و تفنگ خارجی هم در تخنیک سلاح محاربوی موجود بود.

تشکیلات اردو شامل قطعات ذیل بود:

۲۰ غند سواره به محتوای ۱۱ هزار نفر.

۵۷ غند پیاده شامل ۳۴ هزار نفر پیاده.

۲۶ بطریه توپچی شامل ۱۵۰۰ نفر و وسیله نقلیه توپ ها عبارت بود از اسب، بابو و فیل.

این اردوی ۵۰ هزار نفری و منظم به شکل عمری و دائمی استخدام می شد که در کابل و ولایات و نقاط سرحدی مقیم بودند.

معاش ماهوار برای افراد پیاده نظام هفت روپیه ازخزانه دولت پرداخته می شد از افراد سواره معاش اسب بر معاش فرد افزوده می شد که دوچند معاش افراد پیاده بود. منسوبین اردو ملبس به یونیفورم نظامی شدند.

امیر با داشتن افکار ریفورمیستی برای تحقق اصلاحات اداری - نظامی و عمرانی سعی بخرج داد ، و بر استقلالیت سیاسی داخلی و خارجی کشور پناه فشاری می نمود که سبب ناخوشنودی انگلیسی ها می گردید و با امیر در مخالفت قرار داشتند و سد رای امیر بودند .

افغانستان در مسیر تاریخ صفحات (۶۴۴-۶۴۵)

(۱۸۸۰ - ۱۹۰۱ م)

بعزاز امیر شیرعلی خان و به قدرت رسیدن امیر عبدالرحمن خان مانند امیران گذشته در مرحله نخست معاشات افراد و افسران اردو را افزود .

امیر خود یک قومندان ورزیده و با تجربه از جنگ های داخلی بود تمام مساعی خودش را در تشکیل و سازماندهی اردوی دولت بکار برد . و دولت افغانستان بر اساس تشکیلات نظامی قرار داشت . در زمان امیر عبدالرحمن خان اردوی منظم افغانستان بر (۹۶۴۰۰) نفر بالغ میشد . این اردو عبارت بود :

- ۸۰ کدک ۷۰۰ نفری .

- ۴۰ کدک ۴۰۰ نفری .

- ۴ کدک یک هزار نفری گارد شاهی پیاده .

- ۳ کدک ۸۰۰ نفری سواره .

- ۱۰۰ بطریه توپچی هر بطریه دارای شش توپ و ۱۰۰ نفر توپچی داشت .

این اردو در قشله های عسکری میزیست ، معاش افراد پیاده هشت روپیه و از سواره بیست روپیه نقد پرداخته میشد . و همچنین غله و علوفه به قیمت ارزان از دولت می گرفتند .

خدمت عسکری افراد اردو به سیستم هشت نفری از هر نفر سالم و قابل حمل سلاح طبق شمار نفوس یک نفر از سن (۸۰-۱۴) سالگی طور دائمی گرفته می شد . در ایام رخصتی افراد عوضی هر فرد گرفته می شد تا اردو کمبودی سلاح انداز نداشته باشد .

قوانین مکافات و مجازات نظامی توشیح نمود که شامل معاش مستمندی و اعدام برای فرار از وظیفه وضع شده بود . امیر عبدالرحمن که سه صد هزار سپاهی داوطلب در معیت خود داشت ، در همچو یک تفوق نظامی امیر قشون اشغالگر انگلیس را که محصور و هراسان و گریزان بود از شمشیر بران آزادیخواهان ملت نجات داد و معاهده ننگین دیورند را با انگلیس ها امضاء نمود .

امیر به گواهی کتبی تاریخ استقلالیت سیاسی داخلی و خارجی نداشت و کاملاً مستعمره انگلیس بود ، و با داشتن همچو یک اردوی منظم و قوی به سرکوب جنبش های ملی و مشروطه خواهان تا که توانست کشت و بست .

افغانستان در مسیر تاریخ صفحه (۷۰۶)

بعزاز امیر عبدالرحمن خان امیر حبیب الله خان در تشکیلات عسکری نیز تغییرات سطحی وارد کرد .

مثلاً در کابل اردو منقسم به چهار غند : اردلی ، اردل ، کوتوالی و دارالسلطنه بود .

امیر حبیب الله خان این تشکیل را به هم زد و سپاه پایتخت را به دو لوا تقسیم نمود . هر لوا متشکل از سه غند و هر غند مشتمل بر چهار هزار عسکر و جمعاً به استثنای خاصه دار و غیره ۲۴ هزار سپاهی بود .

هر غند دارای یک کندک توپچی (۲۴ توپ هاوتزر ، صحرا و قاطری جبل جرمنی و کابلی) بود هر کندک سواره یک تولی ماشیدار داشت و هر غند دارای یک شفاخانه (یک داکتر، دو جراح و کمپودر) طباخ ، دهلی ، سقا ، خاکروب ، یک تولی استحکام ، و یک دستگاه مخابرات بود .

ارقام و احصائیه های فوق از اوراق تاریخ اقتباس گردیده ولی از نقطه نظر نفوس آنزمانی کشور و امکانات محاربوی در مقایسه با موجودیت تشکل نظامی سالهای اخیر ارقام ذکر شده دقیق به نظر نمی رسد . و نداشتن دسترسی راقم به کتاب های تاریخی که در سالهای اخیر از منابع خارجی ترجمه گردیده نتواستم ارقام ذکر شده را مقایسه و تدقیق نمایم ولی در تلاش آن هستم .

ادامه دارد .

۲۰۱۸/۱۸/۸